



## غزه ؛ اوپاما ؛ ترکیه صلح همین نزدیکی ها در آن دورها

سیامک طاهری

حمله ی گسترده اسرائیل به غزه بحث های بی شماری را برانگیخت. این جنگ از زاویه های گوناگونی قابل بررسی است.

### ۱- از زاویه ی انتخاب زمان حمله وزمان پایان آن

حمله پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و انتخاب اوپاما شروع و پیش از برگزاری مراسم سوگند ریاست جمهوری پایان یافت. این در حالی است که غزه از یک سال پیش در محاصره کامل قرار داشت و هر لحظه انتظار چنین حمله ای می رفت. در این جا این سوال پیش می آید که چرا اسرائیل این زمان را انتخاب کرد؟ آیا این هشداری به اوپاما بود که ما بدون توجه به این که چه کسی در آمریکا بر سر کار است سیاست های خود را به پیش می بریم؟ سکوت به نسبت طولانی اوپاما و عدم اظهار نظر او درباره این حمله و سپس اظهار نظر به گونه ای که کم ترین جلب توجه را بنماید و انعکاس کم جان آن در رسانه ها نشانی از ناراضیاتی او از این حمله داشت. بی گمان این حمله بر برنامه های از پیش اعلام شده او در رابطه با ایجاد تغییرات اثری منفی ایجاد کرد. حتی همین حمایت کم رنگ اوپاما از اسرائیل هم باعث شد که انتقادات زیادی به سوی او روانه شود. کاسترو؛ چاوز، تظاهرکننده گان در کشورهای اسلامی و اروپایی و حتی آمریکا؛ کانادا؛ استرالیا؛ کشورهای آمریکای لاتین...؛ این حمایت را مورد سوال قرار دادند. و چهره او در جهان که بر اثر وعده های داده شده و پیروزی بزرگش در انتخابات درخشان می نمود تا حدودی و به خصوص در خاورمیانه زیر پرسش قرار گرفت.

### ۲- از زاویه ی شخصیتی و دیپلماتیک

از این نگاه شاید بتوان با جرات گفت بزرگ ترین باخت اسرائیل رقم خورد. جنبش جهانی صلح به خصوص در اروپا و آمریکا که تا کنون از موضع گیری مستقیم در مقابل اسرائیل خودداری می کرد این بار به شکل نسبتا گسترده ای اسرائیل را محکوم کرد و این پدیده نسبتا جدیدی است. پاره ای از کشورهای اروپایی اسرائیل را محکوم کردند و کشورهایی هم که در سوی اسرائیل ایستاده بودند؛ حمایتشان نسبت به گذشته کم رقم تر بود. قطع ارتباط کشورهای ونزوئلا و موریتانی و بسته شدن دفتر تجاری این کشور در امارات نیز ضربه ی دیگری به این کشور بود. تظاهرات ضد اسرائیلی در آرژانتین را نیز نباید از نظر دور داشت. اسرائیل در آرژانتین پایگاه نیرومندی دارد. از نظر تعداد یهودیانی که در خارج از اسرائیل زندگی می کنند آرژانتین دومین کشور پس از آمریکا است.

### ۳- از زاویه ی نظامی

بی گمان آسیب نظامی وارده بر حماس بسیار بزرگ تر از آسیب وارده بر اسرائیل بود. اما اسرائیل نیز برای اولین بار در درگیری با فلسطینیان با چنین حجم گسترده ای از تلفات مواجه می شد. دیگر رویای پیروزی هایی چون جنگ عروزه به رویایی دور برای اسرائیل تبدیل شده است. موشک هایی دست ساز حماس اثرات تخریبی بسیار کمی بر جا می گذارند؛ اما در این جنگ حماس برای اولین بار موشک هایی را آزمایش کرد که چند کیلومتر دورتر فرود می آمدند. اگر فلسطینیان به موشک هایی مجهز شوند که باز هم چند کیلومتر دورتر فرود آیند و میزان تخریب آنان بیش تر از میزان کنونی باشد، آن گاه موجودیت اسرائیل به شکلی جدی مورد تهدید واقع شده و توازن تا حدود زیادی به هم خواهد خورد. نباید فراموش کرد که فلسطینیان در میان کشورهای عربی خاورمیانه از بیشترین تعداد تحصیل کرده و متخصص برخوردارند و بدین ترتیب حتی اگر کمکی در این زمینه از بیرون هم دریافت نداشتند در آینده ای نه چندان دور به آن خواهند رسید. اگر چه در تبلیغات اسرائیلی ها سخن از ارسال این موشک ها از خارج از غزه برای آنان می شود؛ اما دلایل زیرین گمانه زنی هایی را در این مورد ایجاد می کند:

۱- غزه منطقه ی بسیار کوچک و نوار گونه ای در کنار دریای مدیترانه است که از شمال و شرق با اسرائیل و از غرب با دریای مدیترانه و در جنوب غربی، و در ناحیه ای بسیار کوچک در حدود فقط ۶ کیلومتر - با مصر هم مرز است. ... اسرائیل مرزهای آبی این منطقه را به شدت کنترل می کند و حتی تاکنون اجازه ساخت یک اسکله را هم به فلسطینیان است. تنها راه ارتباطی غزه با خارج نوار مرزی بسیار تنگ و کوتاه با مصر است (گذرگاه رفح) که آن هم بیش از یک سال است که مسدود است. اگر چه فلسطینیان با ایجاد کانال هایی ارتباط های معینی با مصر را برقرار کرده اند ولی باید توجه داشت که این ارتباطات بنا به ماهیت خود بسیار محدود هستند و با توجه به نیازهای گوناگون از مواد غذایی تا سوخت که به علت یک سال محاصره ایجاد شده است و طول چند کیلومتری نوار مورد نظر امکان انتقال این حجم گسترده از موشک تقریبا منفی است.

۲- اگر فلسطینیان امکان قاچاق موشک را داشتند قاعدتا باید نوع موثر تر آن را وارد می کردند نه موشک هایی که امکان تخریبی بسیار کم ولی صدای زیادی ایجاد می کنند.

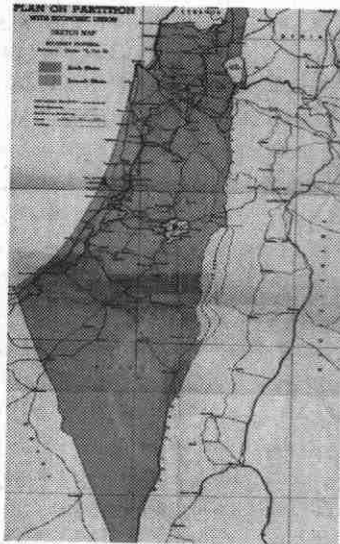
۳- تا زمان حمله ی اسرائیل به غزه به ندرت از ارسال موشک به غزه سخن گفته می شد و بیش تر رسانه های دنیا از موشک های دست ساز سخن می

شگفتی درمندانۀ وقتی آغاز می شود که به روشنی دیده می شود که منابع مالی مدارس اسلامی تروریست پرور پاکستان و افغانستان از جانب شیوخ عرب و کشورهایمانند: عربستان، یمن، لیبی، قطر و سایر کشورهای عربی ثروت مند تأمین می شود و رسانه های اصلی عرب زبان و تمام سایت های وابسته به آن ها، عنوان مقدس شهید را برای تروریست ها و قاتلان صدها مرد و زن و کودک بی گناه تعیین می کنند. آمران، فرمان دهان و شیوخ ثروت مند خانواده و فرزندان شان در سلامت کامل در کاخ های خود زنده اند و برای مرگ صدها انسان بی گناه با طعمه قرار دادن دختر و پسر بچه های خردسال و نوجوان نقشه می کشند، در حالی که فرزندان خودشان در ناز و نعمت در اروپا و آمریکا به خوش گذرانی مشغول اند.

بنابراین به همین سبب است که باقی مانده لاشه ی ۹ تروریست گم راه قاجعه ی قتل عام هتل تاج محل بمبئی در سردخانه ای در این شهر در حال متلاشی شدن هستند و هیچ کشور مسلمانی، حتی اربابان شان حاضر نیستند این آدم کشان معدوم شده را در گورستان های خود به خاک سپرند. زیرا به باورهای مذهبی خودشان از آن ترس دارند که گناهان ناخوشودنی این قاتلان، دامن آن ها را هم آلوده کند.

جامعه ی مسلمانان هند به عنوان دومین کشور از نظر تعداد مسلمانان بعد از اندونزی، بنیاد امام جماعت مسجد گورستان مسلمانان بمبئی، ام.جی. اکبر سردبیر مسلمان مجله ی هندی «کاورت»، رشید علوی عضو مسلمان پارلمان هند و بسیاری دیگر از مقامات هندی و مسلمانان سرشناس هند اعتقاد دارند که برخلاف تصورات مالی خولیایی عرب ها مبنی بر شهید بودن این قاتلان، واژه تروریست شایسته ترین کلامی است که می توان به این آدم کشان حرفه ای تقدیم کرد. ■





گفتند ولی به موازات بلندتر شدن صدای اعتراض مردم جهان تبلیغات در این مورد افزایش یافت. ۴- اولین موشک ها از این دست از سوی گردان های وابسته به الفتح شلیک شدند. آیا آنان نیز این موشک ها را وارد کرده بودند.

خطر دیگری که موجودیت اسرائیل را تهدید می کند رشد سریع جمعیت فلسطینی در مقابل جمعیت اسرائیلی است. در واقع فلسطینیان را می توان به سه دسته تقسیم کرد ۱- فلسطینیان ساکن اسرائیل کنونی که تعداد آنان ۱/۲ میلیون نفر است ۲- فلسطینی های آواره در کشورهای گوناگون عربی و جهان خارج که آمار دقیقی از آنان در دست نیست؛ اما تعداد آنان چندین میلیون نفر تخمین زده می شود. ۳- فلسطینیان ساکن سرزمین های اشغالی جنگ سال ۶۷ که شامل ساکنین کرانه ی باختری رود اردن با ۲/۵ میلیون نفر و ساکنین نوار غزه با حدود ۱/۵ میلیون نفر. براساس تازه ترین سر شماری که در نوار غزه صورت گرفته؛ رشد جمعیت در نوار غزه طی ۱۰ سال گذشته ۴۰ درصد بوده است. به گزارش شبکه ی تلویزیونی بی بی سی، براساس این سر شماری غزه بالاترین نرخ تولد را در جهان دارد. در این سر شماری که در سال ۲۰۰۷ گرفته شد جمعیت نوار غزه یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر ذکر شده است؛ بدین ترتیب رشد سالانه ی جمعیت در نوار غزه حدود ۳،۵ درصد است. شهروندان اسرائیلی نیز ۵/۷ میلیون نفر هستند به این ترتیب ۵/۲ میلیون عرب در مقابل ۵/۷ میلیون یهودی صف کشیده اند (به غیر از فلسطینیان ساکن اردوگاه ها) همان طور که گفته شد آن چه که وضعیت را برای اسرائیلیان خطرناک می کند رشد بالای زاد و ولد در میان اعراب و روند مهاجرت منفی در میان یهودیان است.

اگر وضع به همین منوال به پیش رود به زودی اسرائیلیان به اقلیتی در میان فلسطینیان تبدیل می شوند. سرعت بالای زاد و ولد در غزه به گونه ای است که چند روز پس از آغاز آتش بس جمعیت غزه با وجود تلفات سنگین در جنگ تغییری نکرده بود.

#### ۴- از نظر بعد تبلیغاتی

بی گمان از این نظر نیز اسرائیل بازنده بزرگ بود. تصاویر منتشر شده در مورد خانه های ویران شده، اجساد زنان و کودکان، بمباران مدارس و حتا محل استقرار نیروهای سازمان ملل؛ بمباران گذرگاه رفح در هنگام بازدید مقامات آلمانی؛ تیر اندازی به سوی بازدیدکننده گان فرانسوی؛ و... هر چند که هر بار با عذرخواهی اسرائیل همراه بوده اما جهت گیری منفی افکار عمومی را به همراه داشت. بی گمان یکی از ضربه های بزرگی که اسرائیل دریافت کرد موضع گیری ترکیه در اجلاس داووس بود. ترکیه کشوری است که همواره با اسرائیل روابط خوب و مناسبی داشته است. نیاز اسرائیل به ترکیه بسیار بیش تر از نیاز ترکیه به این کشور است. و اسرائیل همواره برای روابطش با ترکیه ارزش فوق العاده ای قائل بوده است. حمله ی رجب طیب اردوغان به اسرائیل در مقابل دوربین های باز تلویزیون و پخش مستقیم این سخنان در سراسر جهان با وجود آن که برای اسرائیل بسیار سنگین و تحقیر آمیز بود ولی نه تنها موجب عکس العمل متقابل اسرائیل نشد بلکه رییس جمهوری اسرائیل نیز در یک تماس تلفنی پنج دقیقه ای با نخست وزیر ترکیه از بی احترامی دبیر جلسه ی داووس که امکان سخن گفتن به او را نداده بود عذر خواهی کرد و ابراز امیدواری کرد که روابط دو کشور هم چون گذشته باقی بماند. عملی که اسرائیل تا کنون در رابطه با هیچ کشوری انجام نداده است. این تنها به دلیل میزان اهمیت روابط با ترکیه از سوی اسرائیل است. در این میان رییس جمهوری ترکیه از اقدام نخست وزیر این کشور حمایت کرد و وزیر امور خارجه ی ترکیه در رابطه با امکان برهم خوردن روابط ترکیه و اسرائیل گفت: بدون حمایت ترکیه؛ حفظ موجودیت اسرائیل در منطقه بسیار دشوار خواهد بود. بسیار ساده انگارانه خواهد بود اگر بپنداریم که مشاجره ی لفظی اردوغان با شیمون پرز، فی البداهه و بدون برنامه ریزی تنظیم شده قبلی رخ داده است. او آگاهانه در آغاز سخن و هم چنین در مصاحبه های که با مجله ی نیوزویک انجام می دهد، ضمن آن که تاکید می ورزد مخالف یهود ستیزی است و آن را جرم علیه بشریت قلمداد می کند حکومت کنونی اسرائیل را به بازبینی اساسی در برنامه هایش فرامی خواند. روزنامه ی فای نشنال تایمز نیز در زیر تیتر "داووس لرزید" نوشت: "داووس به علت ولوله ی سیاسی به لرزه در آمد" و شبکه ی بی بی سی اعلام کرد: اردوغان در بازگشت به ترکیه همانند یک قهرمان

مورد استقبال قرار گرفت. از سوی دیگر درخواست برای محاکمه ی جنایت کاران جنگی اسرائیلی در جهان بلند شد. این اولین باری است که در چنین ابعادی این درخواست مطرح می شود. در ۱۵ کشور اروپایی به طور جداگانه می توان چنین شکایاتی را مطرح کرد. احتمال دارد که کشور اسپانیا در این راه پیشگام شود. حتا گفته می شود که آمریکا از اسرائیل خواسته است تا خود تحقیق در این باره را آغاز کند. به نظر می رسد که دیگر تبلیغات اسرائیلیان به شکل گذشته اثرات خود را از دست داده است. حتا این بهانه که حمله اسرائیل به غزه به دلیل موشک پراکنی های حماس بوده است هم قابل قبول نیست. جهان ناگهان کشتار های دیر یاسین و کفر قاسم و تل زعتر را به یاد آورد و از خود پرسید؛ آیا در آن روزگاران هم موشک های حماس عامل آن کشتار ها شدند.

#### امکان صلح

شاید این کمی عجیب به نظر آید اگر گفته شود که خاورمیانه هرگز به اندازه امروز به صلح نزدیک نبوده است. اروپاییان به تکیه بر افتاده اند. برآون وضعیت اقتصادی جهان را وخیم ارزیابی می کنند و معتقد است بدون آرامش در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان برون رفت از این بحران اقتصادی دشوار است. باراک اوباما، ضمن صحبت درباره دستورات خود به فرستاده ویژه اش، گفت: «به وی گفتم که اول با دقت حرف های همه ی طرف ها را گوش کنند، زیرا، آمریکا در گذشته، بدون در نظر گرفتن اوضاع، اغلب دیکته می کرد. اینک ما، قبل از هر چیزی خواهیم گوش کنیم، همه ی پیش داوری هایی را که طی سالیان گذشته شکل گرفته است، به کناری بگذاریم. فکر می کنم اگر بتوانیم به این کار موفق شویم، بدین معنی است که حداقل، امکاناتی برای پیشرفت به وجود آورده ایم...» و قطعاً ما نمی توانیم نه به اسرائیلی ها و نه به اعراب دیکته کنیم که کدام روی کرد برای آن ها خوب است و کدام بد. آن ها، خود باید تصمیم بگیرند. اما من باور دارم که الآن بهترین موقع برای هر دو طرف می باشد. آن ها باید به این نتیجه گیری رسیده باشند که راه حلی را که تا کنون در پیش گرفته اند، به سود امنیت، به سود توسعه و ترقی و به سود خلق ها نیست. زمان نشستن در پشت میزهای مذاکره، فرارسیده است... و اینک بر اسرائیلیان یقین شده است که امکان پیروزی نظامی برای آنان وجود ندارد و وضعیت روز به روز در جهت مخالف خواست های آنان حرکت می کند. امکانات متحدان این کشور برای کمک رسانی به آنان به علت بحران اقتصادی جهانی هر روز کم تر می شود. سرانجام روزی فلسطینیان به موشک های قوی تر دست خواهند یافت و حتا اگر این امر محقق نشود آنان در میان دریای فلسطینیان غرق خواهند شد. درست در چنین وضعیتی ترکیه فشار را هر روز بیشتر می کند. اردوغان از واقعی بودن



حماس ولزوم به رسمیت شناختن آن سخن می گوید. کابوس واقعی تر برای اسرائیل. با اظهارات جیمی کارتر بود که او هم حماس را یک واقعیت موجود دانسته و خواهان مذاکره با این سازمان شده بود. چنین به نظر می رسد که کابوس اسرائیلیان کامل تر شده است. مذاکرات حماس و اسرائیل بر سر سرپاز ر بوده شده اسرائیلی از گونه رخ دادهایی است که باید به آن توجه جدی مبذول داشت. بنا به نوشته ی رسانه های آمریکایی: "باراک گفت: «افکار عمومی بدانند، بهایی که اسرائیل برای بازگرداندن شالیط (سرپاز ر بوده شده اسرائیلی) می پردازد، بسیار سنگین تر است و حمایت مردم از تصمیم دولت ضروری است.» رسانه های اسرائیل می گویند، باراک از پرز می خواهد با عفو زندانیان فلسطینی به خاطر مبادله ی آن ها با شالیط موافقت کند. پرز برای امضای فرمانی که مورد حمایت اکثریت مردم باشد، ابراز آماده گی اصولی کرده است. به گزارش روزنامه ها آرتص، اسرائیل آماده است هزار زندانی امنیتی فلسطینی، از جمله نماینده گان زندانی مجلس قانون گذاری فلسطینی را در برابر شالیط آزاد کند. پیش تر یکی از درخواست های موکد حماس، آزاد کردن احمد سعادت دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین بود. نام مروان برغوثی از رهبران جنبش فتح هم در این معامله مطرح است. برغوثی هفت سال پیش دستگیر شد و پس از محاکمه ای دو ساله، به اتهام برنامه ریزی قتل بیش از هشتاد اسرائیلی به پنج بازخس ابد محکوم شد. مروان برغوثی و احمد سعادت از جمله رهبران بسیار محبوب فلسطینی هستند که آزادی احتمالی آنان بسیاری از معادلات را تغییر می دهد. مروان بر غوثی ممکن است جانشین محمود عباس شود که اعتبارش در میان فلسطینیان خدشه دار شده است. در این صورت کسی در راس سازمان آزادی بخش و الفتح قرار می گیرد که بر خلاف عباس توانایی اقناع فلسطینیان را دارد. او احتمالا به سیاست های عرفات باز خواهد گشت. آزادی او به وسیله ی حماس می تواند باعث از میان رفتن اختلافات ایجاد شده بین دو گروه نیز بشود.

اینک زمان کم کم برای باز گشت به پشت میز مذاکره آماده می شود. سخن بر سر این است که اسرائیل تا چه حد آماده دادن امتیاز است. آیا حاضر به باز پس دادن همه ی سرزمین های اشغالی است؟ تاکنون این کشور به طور صریح از باز پس دادن اورشلیم - بیت المقدس عرب ها- و بخش های دیگر خودداری کرده و ساختن شهرک هایی در این مناطق راهنوز هم ادامه می دهد. آیا اسرائیل حاضر است اجازه بازگشت به آواره گان فلسطینی را بدهد. در این صورت توازن نیرو به نفع فلسطینیان هم اکنون به هم می خورد. آیا اسرائیل حاضر است آب های منطقه به طور مساوی بین فلسطینیان و یهودیان تقسیم شود؟ در آن صورت دیگر اقتصاد اسرائیل به سختی می تواند اقتصاد برتر منطقه باشد. پس صلاح چه گونه ممکن است؟ آیا فلسطینیان باید از بخشی از خواست های خود صرف نظر کنند؟ تا چه میزان؟ به هر حال ارثیه ی دولت های پیشین به دولت جدید اسرائیل رسیده است و این دولت در ماه های آینده باید در مورد تمام مسایل پیش گفته تصمیم بگیرد.

